

الگوی نظام مند اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی در کشور بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری

میثم لطیفی^۱* محمد عبدالحسین زاده^۲

چکیده

این مقاله با در نظر گرفتن اهمیت فرهنگ عمومی، درصدد است الگوی نظام مند جامعی را برای اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی کشور بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری ارائه دهد. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد انجام و تلاش شده الگوی نظام مند فرهنگ عمومی برای اصلاح و ارتقای آن در کشور استخراج شود. با مطالعه بیانات مقام معظم رهبری و استخراج بیش از ۵۰۰ مفهوم، در کدگذاری انتخابی این مفاهیم طبقه‌بندی شد و ۳۴ کد محوری استخراج شد که هر کدام ذیل مقوله‌های الگوی نظام مند (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) جای گرفت و تشریح و تبیین شد. مشخص شد که برای اصلاح فرهنگی، باید همه‌جانبه و کل‌نگر بود و همه جنبه‌های بنیادی و نظری مثل تبیین نظریه فرهنگ عمومی و طراحی الگوهای رفتاری از منابع دینی و مباحث اجرایی و راهبردی مثل شبکه‌سازی فرهنگی، توزیع مناسب فرهنگی و... مدنظر قرار گیرند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، فرهنگ عمومی، سیاست‌گذاری فرهنگی، مقام معظم رهبری و اداره

عمومی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال پنجم • شماره بیستم • پاییز ۹۵ • صص ۵۴-۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۵/۱

۱. دانشیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع) (m.latifi@isu.ac.ir)
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت گرایش دولتی و سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگر کارگروه حکمرانی پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت، نویسنده مسئول (abdolhosseinzadeh@isu.ac.ir)

مقدمه

فرهنگ عمومی جنبه‌ای از فرهنگ است که به عامه مردم مربوط می‌شود و محدود به یک قشر یا موقعیت خاص نیست (Copic, 2012: 97). فرهنگ عمومی، هر آن چیزی است که مردم به‌طور عام در زندگی روزمره با آن سروکار دارند، از نحوه لباس پوشیدن گرفته تا آداب معاشرت و نحوه رانندگی، رعایت حقوق همسایه و صیانت از منابع طبیعی و فضای سبز محلی و توجه به تحصیل فرزندان تا ابراز همدردی با نیازمندان و افراد گرفتار چه در سطح محلی و منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی، آداب و سنن مذهبی و عرف اجتماعی تا رفتار در کوچه و خیابان و ورزشگاه همه و همه در حوزه فرهنگ عمومی قرار دارند (Shaffer, 2008:74).

یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری، اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه است. ایشان اخلاقیات فردی و اجتماعی مردم در یک جامعه را وجه اساسی فرهنگ عمومی می‌دانند. همچنین ایشان بیان می‌دارند که زمینه‌های ذهنی، فکری و عاطفی مردم به معارف صحیح، اصلاح فرهنگ و بینش مردم و دفاع از ارزش‌های اسلامی باید مورد تأکید قرار گیرد. مشارکت مردم در فرهنگ عمومی و تلاش برای تغییر آن یکی از ابعاد مهم حقوق فرهنگی شهروندان است (Bloomfield and Bianchini, 2004:8). ضمانت اجرایی فرهنگ عمومی در اکثر موارد قانون نیست، مگر اینکه با تصویب قانون، مسئولان بخواهند بازده فرهنگ عمومی را افزایش دهند. این درحالی است که بیشتر ضمانت اجرایی فرهنگ عمومی، توسط شهروندان در حال تعامل تأمین می‌شود. به عبارت دیگر، با رعایت نشدن فرهنگ عمومی توسط یک شهروند، شهروندان دیگر به او تذکر خواهند داد. در قبال فرهنگ عمومی دو سؤال اساسی وجود دارد: شاخص‌ها و معیارهای فرهنگ عمومی مطلوب چیست و چگونه تعیین می‌شوند؟ نقش و وظایف دولت و سازمان‌های دولتی در قبال اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه چیست؟ باید گفت که پاسخ به این سؤال‌ها بر اساس نوع دولت‌ها و ایدئولوژی حاکم بر آن کشور است. در جمهوری اسلامی ایران،

دولتی اسلامی بر سر کار است و نظام جمهوری اسلامی در صدد پیاده کردن تعالیم اسلامی در سطح جامعه است، بنابراین فرهنگ عمومی جامعه نیز به شدت ارتباط تنگاتنگ با دین دارد. در جامعه اسلامی، الگوهای رفتاری جامعه اسلامی منبعث از لایه‌های بنیادین است که همان اندیشه‌های دینی حاکم بر آن هستند. به عبارت دیگر، در جمهوری اسلامی ایران کلیه سطوح، یعنی باورها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و حتی عرف و شئون اجتماعی که عناصر فرهنگ عمومی هستند بر اساس تعالیم اسلامی شکل گرفته‌اند.

در خصوص اینکه دولت در نگاه مدرن چه وظایفی نسبت به فرهنگ دارد، باید پیش از هر چیز به کنفرانس جهانی سیاست‌گذاری فرهنگی که در تابستان ۱۹۸۲ در مکزیکوسیتی برگزار شد، اشاره کرد. در این کنفرانس، سندی با عنوان «مشکلات و چشم‌اندازها» منتشر شد که در ماده ۱۱۲ آن آمده است: «با توجه به اختلافات موجود در دیدگاه‌های میان نظام‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون، مسئولیت مقام‌های عمومی در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی امروزه توسط کلیه دولت‌های عضو به رسمیت شناخته شده است. از آنجا که دسترسی به فرهنگ و مشارکت در آن به عنوان حق ذاتی هر عضو یک جامعه شناخته می‌شود، این مسئولیت بر عهده کلیه دولت‌ها گذارده شده تا شرایطی فراهم آورند که همگان قادر به اعمال این حق باشند. پس همان‌طور که دولت‌ها برای اقتصاد، علم، آموزش و پرورش و رفاه سیاست‌گذاری می‌کنند، در مورد فرهنگ نیز سیاست‌هایی طراحی می‌شود (Dornfeld, 1998: 110-113). چنانکه در این سند نیز اظهار شد، فرهنگ نیز مانند دیگر حوزه‌های اجتماعی نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است. دولت و نظام جمهوری اسلامی به استناد مجموعه‌ای از قواعد فقهی، موادی از قانون اساسی، بیانات امام و رهبری، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان عالی‌ترین مرجع تعیین سیاست‌های کلان فرهنگی، انتظارات عمومی و... به تمهید مقدمات لازم جهت اجرایی شدن سیاست‌های کلان در حوزه فرهنگ و فرهنگ عمومی مأموریت یافته است.

تا اینجا مشخص شد که دولت، سازمان‌های دولتی و شوراهای متولی امر فرهنگ عمومی، در زمینه هدایت، جهت‌دهی و سیاست‌گذاری عرصه فرهنگ عمومی مسئولیت دارند و باید برای اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند. یکی از مقدمات لازم برای سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ عمومی، نگاه همه‌جانبه و

کل نگر است تا این نهادها به صورت منسجم و نظام مند اقداماتی را برای ارتقای فرهنگ عمومی انجام دهند. در این راستا، این پژوهش درصدد است با بررسی بیانات مقام معظم رهبری که به گفته خودشان، دغدغه اصلی ایشان بحث فرهنگ است، یک الگوی نظام مند و جامع به منظور شکل گیری وحدت رویه در بین مسئولان و مراجع ذی ربط استخراج شود. در این پژوهش با مطالعه بیانات مقام معظم رهبری از ابتدای دوران زعامت (سال ۱۳۶۸) تا سال ۱۳۹۳، همه بیاناتی که مرتبط با فرهنگ عمومی و شاخص های آن بود، مطالعه شد و تلاش شد بر اساس رویکرد نظام مند استرواس و کوربین، مفاهیم ذیل مقوله های مدل که شامل شرایط زمینه ای، شرایط علی، راهبردها، موانع و پیامدها می شود، قرار گیرد.

ابتدا برای شکل گیری مفهوم مشخص از فرهنگ عمومی، به طور مختصر تعریف، ویژگی ها، مصادیق و اصلاح فرهنگ عمومی بیان می شود. در گام بعدی روش شناسی پژوهش که روش داده بنیاد است، توضیح داده می شود و فرایند گردآوری داده ها، کدگذاری و شکل گیری مفاهیم و مقوله های محوری تبیین می شود. در ادامه مؤلفه های الگوی نظام مند فرهنگ عمومی که به عنوان یافته های تحقیق محسوب می شوند، شرح داده می شود. در نهایت نیز نتیجه گیری و پیشنهادهایی برای سیاست گذاری فرهنگ عمومی به منظور اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی کشور بر اساس بیانات مقام معظم رهبری ارائه می شود. این پژوهش از نوع کیفی و اکتشافی است، بنابراین داری فرضیه پژوهشی نیست. سؤال اصلی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آن است، عبارت است از اینکه الگوی نظام مند به منظور اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی کشور بر اساس اندیشه های مقام معظم رهبری چیست و چه مؤلفه هایی دارد. سؤالات فرعی نیز که این پژوهش به تبع سؤالات اصلی به آن می پردازد، عبارتند از: وظایف هر یک از دستگاه ها و متولیان عرصه فرهنگی در فراهم کردن بسترهای لازم برای تحقق فرهنگ عمومی مطلوب در جامعه چیست؟ آسیب ها و موانعی که در عرصه سیاست گذاری فرهنگ عمومی وجود دارد چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

توجه جدی به فرهنگ و به ویژه فرهنگ در سازمان در آثار محققان، از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت (Clark, 1973: 179)، اما تعمیق مقالات مرتبط با این حوزه به طور عمده به پس از دهه ۱۹۸۰ برمی گردد (Hatch, 1993: 671). علاوه بر این، در سالیان اخیر، توجه زیادی به برنامه ریزی فرهنگ شده و دیدگاه های متنوعی در باب برنامه ریزی فرهنگ

شکل گرفته است (Shou-yong, 2009:18). به منظور بررسی پیشینه پژوهش، پژوهش‌هایی که به طور خاص به بحث فرهنگ عمومی پرداخته‌اند، اشاره می‌شود. پژوهش‌هایی را که در حوزه فرهنگ عمومی انجام شده، در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو دسته بنیادی و کاربردی تقسیم کرد. پژوهش‌های کاربردی بیشتر به دنبال سنجش و ارزیابی شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ عمومی بوده‌اند. در کشور ما نیز شورای فرهنگ عمومی، به طور خاص متولی انجام چنین پژوهش‌ها و پیمایش‌هایی است. یک نمونه از این کارها، «طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور» است که در سال ۱۳۸۸ توسط شورای فرهنگ عمومی انجام شد و در سال ۱۳۹۰ گزارش تفصیلی آن به تفکیک شهرهای کشور ارائه شد (شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۹۰: ۹-۸). در خارج از کشور نیز سازمان یونسکو، گزارش‌های تفصیلی بسیاری در مورد سنجش و ارزیابی شاخص‌های فرهنگی به طور عام ارائه می‌دهد که برخی از آنها مرتبط با فرهنگ عمومی است. به عنوان مثال می‌توان به گزارش سال ۲۰۰۹ این سازمان در مورد سنجش تنوع فرهنگی اشاره کرد (Unesco, 2009). دسته دوم، پژوهش‌های بنیادی هستند که بیشتر به دنبال تحلیل فرهنگ عمومی و آسیب‌شناسی فرهنگ عمومی بوده‌اند. این پژوهش‌ها به دنبال پاسخ به این سؤال بوده‌اند که چگونه می‌توان فرهنگ عمومی را تغییر، اصلاح یا ارتقا داد. در ادامه، به طور مختصر به معرفی برخی از پژوهش‌های شاخص در این حوزه می‌شود.

- رآو و والتون (۲۰۰۴) در پژوهش خود با عنوان «اقدام فرهنگی و عمومی» به بررسی ویژگی‌های فرهنگی و تأثیر فرهنگ عمومی مردم در اقدامات و رفتارها پرداخته‌اند. در این پژوهش نیز توصیه‌هایی برای شکل‌گیری فرهنگ عمومی مطلوب در جامعه شده است (Rao & Walton, 2004:10).

- چانگ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان «بازنگری شناسایی منابع فرهنگی و بهره‌برداری منابع بومی»، فرایند تبدیل فرهنگ را بررسی کرده است. در این مطالعه نشان داده شده که فرایند تبدیل شدن، شامل سه مرحله شناسایی منابع، ایجاد معنا و تغییرهای اجتماعی^۲ است. دستیابی به هر مرحله، نتیجه تعامل بین دولت‌های محلی است و هنگامی که هدف شناسایی و بهره‌برداری بیشتر از منابع فرهنگی باشد، اغلب با اهداف سرمایه‌داری

-
1. Resource identification
 2. Meaning-giving
 3. Social reduction

در تعارض قرار خواهد گرفت (Chang, 2011:188).

- در دانشگاه‌های شیکاگو و پنسیلوانیا، پژوهشی پیمایشی در عرصه ارائه شاخص‌های فرهنگی در جامعه و دانشگاه و روش ارزیابی و سنجش آنها انجام شده است که در مطالعات یونسکو مورد استفاده قرار گرفته است (University of Pennsylvania, 1988).

- در پژوهش بینت و همکاران (۱۹۸۹) به تحلیل اثرات فیلم‌های تلویزیونی، رادیویی بر فرهنگ عمومی جامعه پرداخته شده است. این پژوهش که در کشور استرالیا انجام شده، توصیه‌های خط‌مشی به سیاست‌گذاران فرهنگی کشور استرالیا و به‌ویژه سیاست‌گذاران رسانه ملی ارائه می‌دهد تا رسانه ملی در ارتقای فرهنگ عمومی مطلوب جامعه موفق باشد (Bennett, Craik & Cunningha, 1989:7).

در کشور ما نیز پژوهش‌هایی در حوزه فرهنگ عمومی انجام شده است. در جدول ۱ عنوان پژوهش‌ها و جهت‌گیری اصلی پژوهش‌هایی که در داخل کشور در عرصه فرهنگ عمومی انجام شده، قابل مشاهده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های انجام شده در موضوع فرهنگ عمومی

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	سال	خلاصه رویکرد پژوهش
۱	فرهنگ عمومی، شیوه‌های بهگشت	موسی‌پور	۱۳۷۶	تغییر باورها و دیدگاه‌ها برای اصلاح فرهنگ عمومی، برنامه‌ریزی در امور فرهنگی و ارزشیابی فعالیت‌های فرهنگی ضروری است.
۲	امام خمینی (ره) و اصلاح فرهنگ عمومی	عابدی اردکانی	۱۳۸۰	اهمیت و ضرورت فرهنگ، اصول و مبانی اصلاح فرهنگ عمومی و ویژگی‌های فرهنگ عمومی مطلوب باتوجه به بیانات حضرت امام (ره)
۳	نقش فرهنگ تعامل و همزیستی در ارتقای فرهنگ عمومی شهروندان	اودرخانی و همکاران	۱۳۹۲	این پژوهش کمی و پیمایشی، یکی از شاخص‌های فرهنگ عمومی که تعامل و همزیستی است، در یکی از مناطق شهر تهران و اهمیت خصلت تعامل و همزیستی در ارتقای فرهنگ عمومی بررسی می‌شود.
۴	معنا و مفهوم فرهنگ عمومی در پرتو مفهوم جهان‌های ممکن	گوهری‌پور	۱۳۸۸	ارائه تعریف و مفهوم صحیح از فرهنگ عمومی و بیان اینکه لازمه سیاست‌گذاری صحیح در عرصه فرهنگ عمومی، درک و تصویر صحیح و جامع از فرهنگ عمومی است.
۵	نقش مؤسسات فرهنگی هنری در ارتقای فرهنگ عمومی شهروندان	شیروانی و بهبهانی	۱۳۹۲	اهمیت نقش مؤسسات فرهنگی هنری در ارتقای فرهنگ عمومی و تبیین وظایف و راهبردهایی برای ایفای نقش صحیح این مؤسسات
۶	بررسی تحولات فرهنگ عمومی در ایران بر اساس تحلیل نام‌گذاری	جمشیدی‌ها و فولادیان	۱۳۹۰	بررسی فرهنگ عمومی کشور بر اساس نام‌گذاری‌های موجود در جامعه؛ نام‌گذاری افراد در جامعه یکی از شاخص‌هایی است که به‌وسیله آن می‌توان جهت‌گیری فرهنگ عمومی جامعه را مشخص کرد.
۷	تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها	لطیفی و ظهوریان	۱۳۹۴	با رویکرد آمیخته، شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها با مطالعه بیانات امام (ره) و مقام معظم رهبری استخراج شده و بعد شاخص‌های فرهنگی وزن‌دهی و با روش کمی و پرسشنامه‌ای سنجیده شدند.
۸	شورای فرهنگ عمومی و تأثیر مصوبه‌های آن بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی	مقتدایی و راعی	۱۳۹۲	بررسی و تحلیل ارزیابی اقدامات شورای فرهنگ عمومی کشور و تأثیر مصوبه‌های آن در سیاست‌گذاری فرهنگی

کتاب «بایسته‌های فرهنگ عمومی از منظر مقام معظم رهبری» اثر احسان بابایی یکی از کتاب‌هایی است که به‌طور خاص به بحث فرهنگ عمومی از دیدگاه رهبری پرداخته است. در این کتاب اشاره‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی به برخی از مهم‌ترین مصادیق کاستی‌ها و بایسته‌های فرهنگ عمومی است که در ذیل عنوان‌هایی همچون انس با کتاب و مطالعه، قانون‌مداری، خودباوری، استقبال از کار و داشتن وجدان کاری، اهتمام به استفاده از تولید داخلی، اصلاح الگوی مصرف، دوری‌گزینی از اشرافیت و تجمل‌گرایی، اهتمام به نقد و نقدپذیری، رعایت حقوق و حرمت زن، ورزش همگانی، حفظ محیط زیست و منابع طبیعی و در نهایت انس با قرآن مطرح می‌شود.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در عرصه فرهنگ عمومی در داخل و خارج کشور، ملاحظه می‌شود که برخی خلأهای پژوهشی وجود دارد که این پژوهش درصدد، رفع برخی از آنهاست. در پژوهش‌های انجام شده، به ویژه پژوهش‌های داخلی، ضرورت طراحی یک الگوی جامع و کلان و نظام‌مند احساس می‌شود. این پژوهش برخلاف پژوهش‌های پیشین که یا به بررسی مصادیق شاخص‌های فرهنگ عمومی پرداختند، یا وظایف و نقش برخی از دستگاه‌ها در عرصه فرهنگ عمومی را تبیین کردند، به دنبال این است که بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری، الگوی نظام‌مند برای سیاست‌گذاری عرصه فرهنگ عمومی و اصلاح و ارتقای آن ارائه دهد. این الگوی نظام‌مند از یک سو تمام لوازم، بسترها، علل، راهبردها و وظایف هر یک از دستگاه‌ها و نهادهای کلان سیاست‌گذار عرصه فرهنگ عمومی را مشخص می‌کند و از سوی دیگر، به نقش مردم و وظایف آنها در قبال فرهنگ عمومی کشور می‌پردازد. لازم به ذکر است که در این پژوهش تمام بیانات مقام معظم رهبری مطالعه شده و از جست‌وجوی کلیدواژه‌ای و جدا کردن پاراگراف‌ها از متن اصلی پرهیز شده است تا بتوان به‌صورت دقیق‌تری به منظومه فکری ایشان در عرصه فرهنگ عمومی دست یافت.

۲. چارچوب نظری

در این بخش به‌منظور ایجاد وحدت رویه در خصوص فرهنگ عمومی، و شکل‌گیری معنا و مفهوم یکسان از فرهنگ عمومی، تعریف، ویژگی‌ها و مصادیق فرهنگ عمومی مشخص می‌شوند. در ادامه، تعریف مختار فرهنگ عمومی، که در این پژوهش تعریف مقام معظم رهبری از فرهنگ عمومی است، بیان و تشریح می‌شود.

۲-۱. تعریف فرهنگ عمومی

باید دانست مشکلات تعریف یا بیان یک تلقی از مفهوم فرهنگ عمومی بیش از مفهوم فرهنگ است، چرا که مفهوم فرهنگ عمومی علاوه بر پیچیدگی‌های مفهوم فرهنگ قید عمومی نیز دارد و وجود این قید، منشأ مناقشات فراوانی بوده است (گوهری‌پور، ۱۳۸۸: ۱۴۱). صفت عمومی در عبارت «فرهنگ عمومی» به ملت اشاره دارد و به معنای عام کلمه در برابر خصوصی قرار می‌گیرد و به این معنا، دری است که به روی همه باز است. اما اوزف معتقد است که تا سال ۱۸۳۵ میلادی، عمومی هنوز در برابر خصوصی به کار نمی‌رفته، بلکه در برابر شخصی استفاده می‌شده است (Inglehart, 2010: 214). فرهنگ عمومی را می‌توان به‌طور بسیار کلی و در زبانی که از لحاظ نظری باید آن را بر نظریه سرمایه بوردیو (۱۹۶۴) استوار کرد (Bourdieu, 1964: 3)، سطحی از انباشت فرهنگی و ساختارهایی از عادت‌واره‌های اجتماعی تعریف کرد که بیشترین گسترش را در یک جامعه و در یک‌زمان مشخص داشته باشد (فکوهی، ۱۳۸۹: ۱۴).

فرهنگ عمومی به معنای فرهنگ غالب و گسترده‌ای است که در میان عموم جامعه رواج دارد و به‌نوعی با فرهنگ توده ارتباط دارد (استوری، ۱۳۸۵). فرهنگ عمومی شامل حیات و ایدئولوژی غالب مورد تجربه در زندگی و تمام محتوای روانی ناشی از کاربرد وسیع و تعیین‌کننده وسایل ارتباط جمعی است که در برهه‌های خاص از زمان مورد استفاده قرار گرفته و نیز شامل گرایش‌ها و نگرش‌های هر جامعه است (داریاپور، ۱۳۸۶). بر اساس یک نگاه دیگر، فرهنگ عمومی، حوزه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهاست که اجبار اجتماعی از آن حمایت می‌کند و در میان اکثریت جامعه مقبول است (اینگلهارت، ۱۳۷۳). بر اساس نظر گیدنز، فرهنگ عمومی عبارت است از: مجموعه منسجم و نظام‌یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت. اما آنچه در واقع تجلی‌گر همه اینهاست و در یک جامعه ظهور عمومی و قابل مشاهده دارد، رفتار، منش و عرف جامعه یا همان معیارها اجتماعی است که به سادگی می‌تواند به وصف درآید (گیدنز، ۱۳۷۳: ۸۳). فرهنگ عمومی عرصه‌ای از فرهنگ است که تولیدکننده و نیز مصرف‌کننده آن، آحاد جامعه هستند و این صرف‌نظر از وابستگی آنها به طبقه اجتماعی خاص و یا سطح تحصیلات و یا حرفه آنهاست. آداب معاشرت، مراعات حقوق دیگران، نظم، وجدان کاری، انضباط اجتماعی و مسائلی از این قبیل، در این

مجموعه می‌گنجد (شالچیان، ۱۳۷۳).

برخی دیگر در تعریف این اصطلاح ترکیبی گفته‌اند: «فرهنگ عمومی عبارت است از: مجموعه منسجم و نظام‌یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت» (فردرو، ۱۳۸۰: ۳۹). بنابراین مفهوم فرهنگ عمومی در تقابل دولت - ملت معنی پیدا می‌کند و زمانی که تلاش دولت و حکومت برای دستیابی به اهداف خود با حوزه‌ای از فرهنگ مواجهه شود که با این اقدامات سازگار نبوده و از راه قانون و سایر ابزارهای اعمال قدرت نیز قابل تغییر نیست، در چنین حالتی حوزه فرهنگ عمومی آشکار می‌شود (خالدی، ۱۳۸۸: ۴). نقش حکومت در جامعه، انسجام‌بخشی است و بنابراین عدم تطبیق و همراهی فرهنگ عمومی با اهداف کلی نظام به‌عنوان «اصلاح فرهنگ عمومی» مورد توجه قرار می‌گیرد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت: فرهنگ عمومی حوزه‌ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه اجباری و قانونی رسمی ندارد و عدم پابندی به آن مجازاتی را، به معنای حقوقی کلمه در پی ندارد و فرهنگ عمومی شامل قوانین مدونی نیست که بتوان به آنها ارجاع داد یا استناد کرد و شاید بتوان گفت که اساساً به لحاظ مفهومی در تقابل قوانین رسمی معنا و ظهور پیدا می‌کند. درعین حال اگر بخواهیم اصل سادگی و جامعیت را در تعریف فرهنگ عمومی لحاظ کنیم و با لحاظ نکات پیش‌گفته، شاید بتوان فرهنگ عمومی را به رفتارهای فرهنگی متعارف جامعه یا رفتار متعارف عموم مردم جامعه تعریف کرد (ذوعلم، ۱۳۷۹: ۱۴).

۲-۲. مفهوم فرهنگ عمومی از نگاه مقام معظم رهبری

فرهنگ عمومی دارای دو جهت «عینی» و «اعتباری» است که باید هر دو را مدنظر داشت. هیچ‌کس بهتر از مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، این دو بعد فرهنگ عمومی را تبیین نکرده‌اند. از نظر ایشان، فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش آن ظاهری و بارز است، مثل شکل لباس و شکل معماری که تأثیر خاصی بر روی ذهنیات و خلیات و منش و تربیت افراد دارد و بخش دیگر، مربوط به امور نامحسوس، مثل اخلاقیات فردی و اجتماعی مردم، وقت‌شناسی، وجدان‌کاری، مهمان‌دوستی و احترام به بزرگ‌ترهاست. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «به نظر بنده، فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش،

امور و مسائلی است که بارز و ظاهر و جلو چشم است و حقیقتاً هم در سرنوشت یک ملت دخالت دارد، اما در درازمدت تأثیر می‌کند. یعنی در مسیر زندگی و حرکت‌های آینده یک ملت تأثیر دارد. مثلاً شکل لباس و چه پوشیدن و چگونه پوشیدن، معماری و.... بخش دوم از فرهنگ عمومی، آن است که مانند بخش اول در سرنوشت یک ملت تأثیر دارد، اما تأثیراتش فوری و بسیار محسوس است. یعنی خود امور مربوط به این بخش از فرهنگ عمومی، چندان محسوس نیست، لکن تأثیراتش در جامعه و سرنوشت و مسیر آن، بسیار محسوس است. از جمله این امور و در واقع عمده‌ترین آنها، اخلاقیات است؛ اخلاق فردی و اجتماعی مردم یک جامعه است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۴/۱۹).

ایشان همچنین اصلاح فرهنگ عمومی را امری ضروری و مهم برمی‌شمارند و وظیفه همه نهادهای دولتی، تبلیغی و فرهنگی را تلاش برای اصلاح فرهنگ عمومی می‌دانند. ایشان در این زمینه بیان می‌دارند: «اصلاح فرهنگ عمومی، از همه کارها مهم‌تر است، چون این کار، محور همه کارهای دیگر است. کتاب باید برای اصلاح فرهنگ عمومی منتشر شود. فیلم باید برای اصلاح فرهنگ عمومی ساخته شود. هنر باید در جهت فرهنگ عمومی هدایت شود. صداوسیما، در همه برنامه‌هایش - چه هنری، چه خبری و چه گزارشی - دائماً باید در خدمت فرهنگ عمومی کار کند. علما و امامان جمعه و خطیبان و مبلغان و جامعه روحانیان محترم و معظم نیز - در هر بخشی که هستند - باید برای ترویج فرهنگ صحیح اسلامی تلاش کنند: عده‌ای تحلیل کنند، عده‌ای آیات الهی را بخوانند و عده‌ای کلمات معصومین را بیان کنند. جهت‌گیری عمده مطبوعات، باید اصلاح فرهنگ عمومی باشد. سازمان‌هایی که مخصوص کار تبلیغی هستند (مثل سازمان تبلیغات اسلامی و بخش‌هایی که تابع و در کنار آنند) باید در این جهت بکوشند. اگر ان‌شاءالله یک تلاش هماهنگ صحیح جهت‌یافته وجود داشته باشد، ملت ما هم آماده پذیرشند. تازه، از خصوصیات این امور سیاسی و اصیل، این است که ذاتی انسان‌ها می‌شوند و در نتیجه، نسل به نسل انتقال می‌یابند و در واقع، فطری، یعنی جزو فطرت افراد یک جامعه و دقیقاً عین امور ذاتی می‌شوند» (همان).

۳-۲. ویژگی‌های فرهنگ عمومی

با توجه به آنچه در مورد تعریف فرهنگ عمومی ذکر شد، می‌توان ویژگی‌های فرهنگ عمومی را به شرح زیر برشمرد:

۱. فرهنگ عمومی حوزه‌ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی و رسمی نیست، بلکه تداوم آن در گرو اجبار اجتماعی اعمال شده از سوی آحاد جامعه و تشکلهای سازمان‌های غیردولتی (غیررسمی) است. برخلاف حوزه فرهنگ رسمی که در نهایت، اجبار فیزیکی از آن حمایت می‌کند، حوزه فرهنگ عمومی به طور عمده بر پذیرش و اقتناع استوار است و عدم پابندی به آن، مجازات به معنای حقوقی کلمه را در پی ندارد. به عبارت دیگر، مفهوم فرهنگ عمومی در تقابل مردم - دولت مفهوم پیدا می‌کند (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

۲. فرهنگ عمومی مؤلفه‌هایی از فرهنگ است که تأثیرات آن عام و فراگیر بوده و عامه مردم در کیفیت آن نقش دارند و از شیوه رفتارهای عمومی مردم یا عرف و عادات و رسوم و زبان ساخته می‌شود و یا تأثیر مشهود می‌پذیرد و عموم جنبه‌ها و عرصه‌ها و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عموم مردم نسبت به آنها حساسیت و شناخت دارند.

۳. فرهنگ عمومی، سازندگان و عاملان خاص خود را دارد که بر بخشی از آنها دولت نظارت می‌کند. نزدیک شدن به فرهنگ عمومی و اصلاح آن از طریق بخشنامه میسر نیست.

۴. فرهنگ عمومی مانند کل نظام فرهنگی و فرهنگ، در چهار وجه ظاهر می‌شود: درونی، روانی، نمادی، نهادی و آثار. از این رو می‌توان رگه‌های فرهنگ عمومی را در همه این جلوه‌ها یافت. فرهنگ عمومی، در کنار فرهنگ رسمی، در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی، خانواده، حکومت، اقتصاد و آموزش و پرورش و نظایر اینها حضور دارد. از این رو نمی‌توان آن را به حوزه مشخصی محدود ساخت (عابدی‌اردکانی، ۱۳۸۶: ۲۸-۳۰).

۴-۲. مصادیق فرهنگ عمومی

فرهنگ عمومی را می‌توان در آن دسته از باورها، اعمال، کالاها، خدمات و موضوعاتی که هنوز گسترش زیادی دارند یا می‌توانند داشته باشند، دنبال کرد. باورهای توده‌ای و سنت‌های محلی، بارزترین چهره‌های فرهنگ عمومی هستند. فرهنگ عمومی در مواردی

تجلی پیدا می‌کند که توده مردم با فرهنگ برخورد می‌کنند. این موارد را می‌توان چنین بیان کرد: الف) مراسم و آیین‌ها، مثل مراسم و آیین‌های مذهبی، ملی، فرقه‌ای و خانوادگی، ب) بازی: عنصر بازی که دارای وجوه فرح‌بخشی، جذابیت دراماتیک و دنبال کردن ماجرا همراه با مشارکت فعال است و یکی از مؤلفه‌های جدی فرهنگ عمومی است، پ) نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها: این دو پدیده، اشکال نوین مراسم و آیین‌ها هستند و تقریباً در تمام عرصه‌های فرهنگی و هنری (کتاب، نمایش، موسیقی، سینما، مطبوعات، جهانگردی، گرافیک، نقاشی، خط و...) برگزار می‌شوند، ت) کالاهای فرهنگی عامه‌پسند، مانند فیلم، داستان، ترانه، نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی و... که معمولاً کمتر قابلیت چندین قرائت را دارند و یا اینکه قرائت‌های مختلف از آنها باید پنهان باشد (پین، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۵۰).

۳. روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش استخراج الگوی نظام‌مند فرهنگ عمومی در جامعه بر اساس بیانات مقام معظم رهبری است، نحوه بهره‌مندی از منابع به لحاظ روش‌شناختی اهمیت پیدا می‌کند. جهت‌گیری پژوهش حاضر، بنیادی و در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و از ترکیب رویکرد استقرایی و قیاسی برای کشف الگوی مورد نظر استفاده می‌شود. از میان انواع راهبردهای پژوهش کیفی، راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و به‌طور خاص رویکرد استراوس و کوربین استفاده می‌شود. برای پی‌بردن به اندیشه مقام معظم رهبری در موضوع فرهنگ عمومی و اجرای راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بر روی آن، به بیانات و سخنرانی‌های ایشان که حاکی از اندیشه‌های ایشان است، رجوع شد. در این میان، علاوه بر تحلیل داده‌های مکتوب از منابع الکترونیکی که توسط مؤسسه انقلاب اسلامی تهیه شده بود، استفاده شد. برای تحلیل و کدگذاری داده‌های جمع‌آوری شده، از نرم‌افزار اکسل استفاده شد. در ادامه به‌طور مختصر نظریه داده‌بنیاد با تأکید بر رویکرد استراوس و کوربین مطرح می‌شود.

۳-۱. نظریه داده‌بنیاد

روش مذکور نوعی روش‌شناسی عمومی است که در ابتدا توسط گلاسر و استراوس

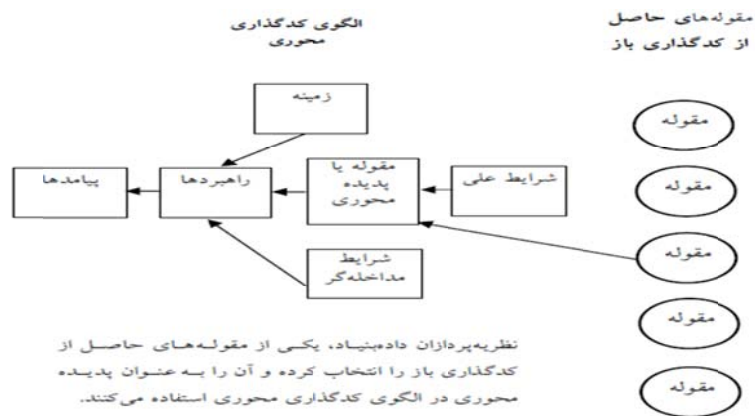
(۱۹۶۷) در کتاب کشف تئوری مفهوم‌سازی بنیادی^۱ معرفی شد (Glaser & Strauss, 1967). بنیان‌گذاران این روش‌شناسی، ادعای بزرگی را مبنی بر اتخاذ نظریه از داده‌هایی نظام‌مند که حاصل تحقیق اجتماعی باشند، دارند (Fernandez, 2004:84). همان‌گونه که از نام این نظریه برمی‌آید، نظریه در طول تحقیق رشد می‌کند و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود (Strauss, 1987:168).

نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، روالی نظام‌مند و کیفی است، جهت تولید نظریه‌ای که یک فرایند، کنش یا برهم‌کنش را درباره یک موضوع واقعی^۲ در سطح مفهوم کلی تشریح می‌کند (Creswell, 2005:396). پژوهشگران هنگامی سراغ استفاده از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌روند که نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی (اجمالی) از یک فرایند هستند (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷۴). در پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک فرایند، زنجیره‌ای از کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها بین افراد و وقایع مربوط به یک موضوع است (Strauss & Corbin, 1998). نظریه‌پردازان داده‌بنیاد، نظریه خود را در سه شکل ممکن ارائه می‌دهند: ۱. الگوی کدگذاری بصری، ۲. مجموعه‌ای از قضایا (فرضیه‌ها) و ۳. داستانی که به شکل روایی نوشته می‌شود (Creswell, 2005: 409). در این پژوهش از آنجایی که بر اساس رهیافت نظام‌مند تحقیق سامان‌یافته است، الگوی کدگذاری بصری ارائه می‌شود و در ادامه نیز این الگو توضیح داده می‌شود.

کرسول (۲۰۰۵) بیان می‌کند که سه رهیافت مسلط در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد وجود دارد: رهیافت نظام‌مند که با اثر استراوس و کوربین شناخته می‌شود، رهیافت ظاهرشونده با مربوط به اثر گلیسر است و رهیافت ساخت‌گرایانه که توسط چارمز حمایت می‌شود. در این مقاله به تناسب هدف پژوهش از رویکرد نظام‌مند بهره گرفته شده که به نسبت سایر رویکردها تجویزی‌تر است. رهیافت منتخب به نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، بر لزوم استفاده از چند گام مشخص به‌منظور تحلیل داده‌ها تأکید می‌کند که عبارتند از: کدگذاری باز^۳، محوری^۴ و انتخابی^۵ و کدگذاری انتخابی به‌عنوان بخشی از فرایند خلق نظریه مدنظر قرار

-
1. The discovery of grounded theory
 2. Substantive topic
 3. Open coding
 4. Axial coding
 5. Selective coding

می‌گیرد (Lee, 2001: 47). رهیافت نظام‌مند در نهایت بر توسعه یک مدل پارادایمی^۱ و یا تصویری بصری^۲ از نظریه تولید شده تأکید می‌شود (Creswell, 2005: 398). مطابق با شکل ۱ برای ترسیم نهایی پارادایم از مقوله‌های زیر استفاده شده است: مقوله محوری^۳ (صورت ذهنی حاصل از پدیده‌ای که اساس فرایند است)، شرایط علی^۴ (مقوله‌های مربوط به شرایطی است که بر مقوله محوری اثر گذار است)، شرایط زمینه‌ای^۵ (مقتضیات یا عوامل زمینه‌ای که بر تحقق راهبردها اثر گذار است)، شرایط مداخله‌گر^۶ (موانع یا شرایط زمینه‌ای که بر تحقق راهبردها ممانعت ایجاد می‌کنند)، راهبردها^۷ (کنش‌ها یا برهم‌کنش‌هایی که از پدیده اصلی منتج می‌شوند) و پیامدها^۸ (خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها) (Ibid: 401).



شکل ۱. کدگذاری باز و الگوی کدگذاری محوری بر اساس رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین

1. Logic paradigm
2. Visual picture
3. Core category or phenomenon
4. Causal conditions
5. Context conditions
6. Intervening conditions
7. Strategies
8. Consequences

۳-۲. جامعه آماری و گردآوری داده‌ها

در مرحله گردآوری داده‌ها، داده‌های مورد نیاز (بیانات مقام معظم رهبری در خصوص فرهنگ عمومی) گردآوری شده است. در مرحله اول تمام بیانات مقام معظم رهبری از ابتدای رهبری ایشان (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳) مورد مطالعه قرار گرفت. برای پوشش جامع، هم از منابع مکتوب و هم از منابع الکترونیک استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از نرم‌افزار حدیث ولایت و سایت بنیاد نشر و حفظ آثار آیت الله خامنه‌ای^۱ استفاده شد. لازم به ذکر است که بیاناتی که به‌طور خاص مخاطب آن شورای فرهنگ عمومی یا شورای انقلاب فرهنگی بودند با دقت بیشتری مورد مطالعه قرار گرفت و کدهای مرتبط با موضوع تحقیق از آن استخراج شد.

۳-۲-۱. کدگذاری اولیه و شکل‌گیری مفاهیم

بیانات مقام معظم رهبری در هر دیدار، انبوهی از داده‌ها را به همراه داشت که باید مطالعه می‌شد و مضامین مرتبط با فرهنگ عمومی استخراج می‌شد. با توجه به حساسیت فرایند رشد و شکل‌گیری نظریه و برای بالا بردن میزان اعتماد به داده‌ها، مفاهیم مستخرج اولیه توسط پژوهشگران به‌طور جمعی مورد بازبینی قرار گرفت و به اقتضا، حفظ، حذف یا تعدیل شد. با توجه به این مطلب که کلمات و عبارات‌های مشابهی در قالب مفاهیم نزدیک به هم در طول مطالعه بیانات مقام معظم رهبری تکرار شده بودند، تلاش شد عبارات‌های مذکور در قالب مقوله‌های کلی‌تری جمع‌بندی شوند. به این منظور برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری باز انجام شد. کدگذاری باز به این صورت بود که بیانات مقام معظم رهبری که در مورد فرهنگ عمومی بود مورد بررسی قرار گرفت. نمونه‌ای از جدول کدگذاری باز در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

1. <http://farsi.khamenei.ir>

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری باز و استخراج مفاهیم سطح اول و دوم

کد	عین بیانات	مفهوم سطح ۱	مفهوم سطح ۲
P880101b1	<p>مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه‌جانبه است. از همه ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است؛ پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری... همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی، که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی، چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند، اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سوءاستفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است، این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقا ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی، همه طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است، لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملت‌ها جلواند، اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی؛ در همه این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. البته با حرف نمی‌شود، با الفاظ نمی‌توان کاری انجام داد، نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرک و برنامه‌ریزی لازم دارد.</p>	<p>اهمیت و ضرورت پیشرفت کشور در اخلاق و معنویت ضرورت پیشرفت کشور در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی ضرورت پیشرفت در وحدت و انسجام ملی پیشرفت در مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی ضرورت و اهمیت برنامه‌ریزی برای پیشرفت در عرصه فرهنگ عمومی کشور</p>	<p>برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشور در عرصه اخلاق و معنویت برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشور در عرصه فرهنگ عمومی (قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی، وحدت و انسجام ملی، مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی)</p>
P880101b2	<p>یک اقدام اساسی در زمینه همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله‌ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملت عزیز ایران عرض کردم و آن مسئله مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح می‌کنیم. من در همین دیدار اول سال، در نوبت‌های متعددی در همین جا خطاب به مردم عزیزمان درباره اسراف، درباره ولخرجی و تضييع اموال و لزوم صرفه‌جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آن‌چنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به‌عنوان یک سیاست، ما مسئله صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بی‌بهره و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه ما باید این مطلب را به‌عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست.</p>	<p>مبارزه با اسراف اقدام اساسی برای تحقق عدالت و پیشرفت اهمیت در نظر گرفتن صرفه‌جویی در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌ها</p>	<p>لزوم برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن فرهنگ اسراف لزوم توجه به صرفه‌جویی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری</p>

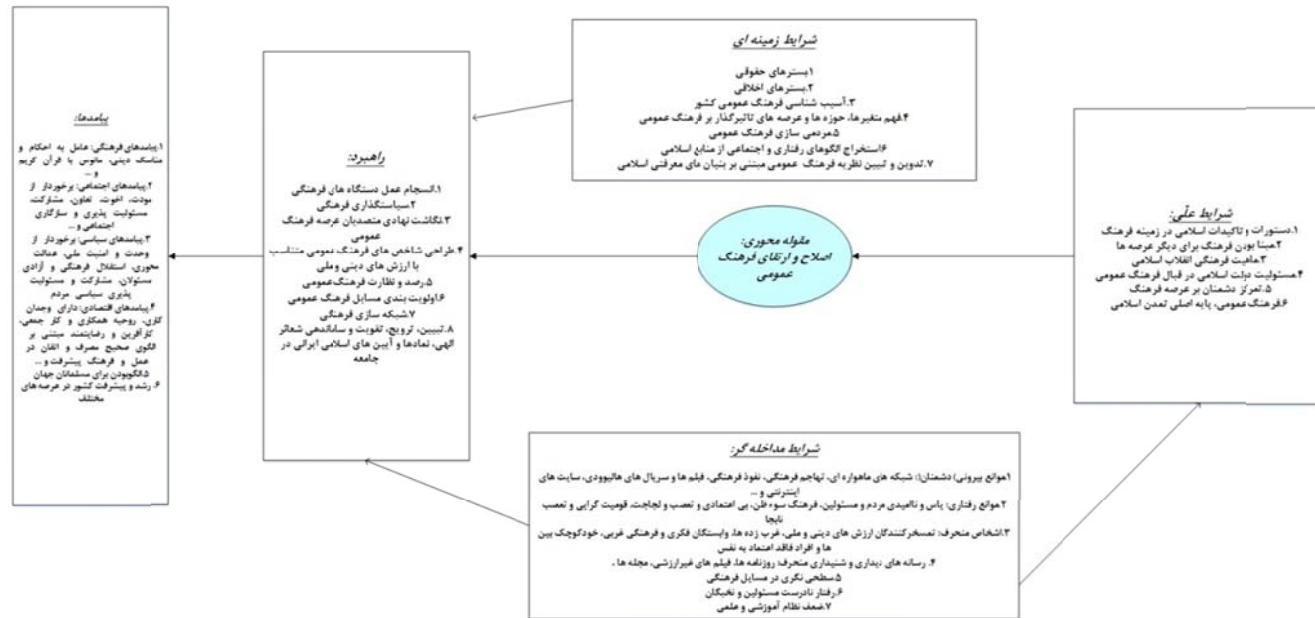
کد	عین بیانات	مفهوم سطح ۱	مفهوم سطح ۲
P880101b3	<p>عادت‌های ما، سنت‌های ما، روش‌های غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما این‌چوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند. این ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می‌کند، جامعه دچار مشکلات اقتصادی می‌شود. در آیات شریفه قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده، این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه اقتصادی میزند، هم لطمه فرهنگی میزند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می‌گذارد. بنابراین مسئله صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است، آینده کشور را تهدید می‌کند.</p>	<p>عادت‌ها و سنت‌ها و روش‌های غلط عامل سوق دهنده مردم به زیاده‌روی در مصرف اسراف باعث لطمه زدن اقتصادی و فرهنگی به کشور می‌شود.</p>	<p>لزوم حذف عادت‌ها و سنت‌ها و روش‌های غلطی که مردم به زیاده‌روی در مصرف سوق می‌دهد.</p>
P880101b4	<p>در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. تجمل‌گرایی‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ این‌ها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزیینات داخل خانه؛ این‌ها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف می‌کنیم. پولی که می‌تواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به این چیزهای ناشی شده از هوس، چشم و هم‌چشمی، آبروداری‌های خیالی. مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است! - عروسی می‌گیرند، عزا می‌گیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محروم‌اند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمی‌گوییم پول را بردارید بروید حتماً اتفاق کنید - البته اگر انسان اتفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر اتفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانه‌ها سهام شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است.</p>	<p>وجود اسراف، تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی‌ها در سطح شخصی و خانوادگی مصرف کردن هزینه‌های زیاد در مراسم‌های عزا، عروسی، مسافرت و...</p>	<p>ضرورت حذف اسراف، تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی‌ها در سطح شخصی و خانوادگی پرهیز از هزینه‌های بیهوده در مراسم‌های عزا، عروسی و مسافرت کردن</p>

۲-۳-۳. کدگذاری محوری و انتخابی

در این مرحله محققان دسته‌بندی و مقایسه عناوین استخراج‌شده از داده‌ها را انجام دادند. پس از انجام کدگذاری باز، محققان خود را با انبوهی از داده‌های خام روبرو دیدند که چندان به هم ربطی ندارند. در مرحله کدگذاری محوری، محققان با مقایسه مفاهیم مختلف محقق تلاش کردند زمینه‌های مشترک میان آنها را کشف کرده و امکان طبقه‌بندی مفاهیم مشابه را در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان و در ذیل الگوی نظام‌مند استراوس و کوربین انجام دهند.

در مرحله کدگذاری انتخابی، وجوه مشترک مؤلفه‌های برآمده از مراحل قبلی، شناسایی و با توجه به اشتراکات آنها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری سامان‌دهی شدند که در ذیل هر یک از مقوله‌های مدل نظام‌مند قرار گرفتند و در شکل ۲ نمایش داده شده است. لازم به ذکر است. از آنجایی که رهیافت پژوهش حاضر، بر اساس رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین انجام شده، کدگذاری انتخابی در تطبیق با مقوله‌های مدل نظام‌مند انجام شده است.

الگوی نظام‌مند اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی در کشور بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری ۴۱



نمودار ۲. کدگذاری باز

۳-۳. اعتبار سنجی الگوی استخراج شده (روایی و پایایی)

با اینکه برخی از پژوهشگران کیفی بحث درباره اعتبار و روایی داده‌ها و نتایج پژوهش را به‌طور سنتی مربوط به پژوهش‌های کمی می‌دانند (Johnson & Christensen, 2008)، واقعیت این است که در پژوهش‌های کیفی نیز صحت و اعتبار داده‌ها و یافته‌ها بخشی بسیار بااهمیت در فرایند پژوهش است (Creswell, 2012). روایی اشاره دارد به میزانی که یافته‌ها واقعیت را توصیف می‌کنند. در تحقیق کمی، روایی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: یک پژوهش تا چه حد دقیق آنچه را که قصد ارزیابی‌اش را داشته، سنجیده است (Golafshani, 2003:559). این تعریف در تحقیقات کیفی جایگاه چندانی ندارد، چراکه در تحقیق کیفی، هدف، ارزیابی نیست (Stenbacka, 2001:551)، بلکه هدف درک جهان اجتماعی از منظر پژوهشگران به‌وسیله توصیف تفصیلی و دقیق از اقدامات شناختی و نمادین است (Miles & Huberman, 2002: 37). جهت ایجاد اطمینان از روایی مرحله نخست پژوهش و دقت یافته‌های محققان، اقدامات زیر انجام گرفت:

روش اول: در نظریه داده‌بنیاد، اعتبارسنجی 'بخشی فعال از فرایند پژوهش است (Creswell, 2005:412)، به این صورت که در مرحله کدگذاری باز، داده‌های متنوع به‌طور متناظر در قبال مفاهیم در حال ظهور آزمون می‌شوند؛ همچنین در مرحله کدگذاری محوری نیز مفاهیم برآمده از داده‌ها در قبال مقوله‌ها قرار گرفته و در این تناظر کثرت آمیز، تناسب برقرار می‌شود و سپس قرائنی از داده‌ها در مقام تأیید این تناسب جست‌وجو می‌شود.

روش دوم: در روش دوم، از مرورگران خارجی^۱ چون خود مشارکت‌کنندگان در طرح جهت اعتبارسنجی بهره‌برداری می‌شود (Ibid:413). در این پژوهش نیز محققان کار را ذیل نظر برخی از اساتید صاحب‌نظران در حوزه فرهنگ عمومی و متخصص در اندیشه مقام معظم رهبری پیگیری می‌کردند.

روش سوم: در این روش، محققان با بازاندیشی بر کدگذاری‌ها تلاش کردند که اعتبار یافته‌ها را افزون کنند. در این پژوهش، بارها کدها بازنویسی می‌شد و تلاش می‌شد

1. Validation
2. Outside reviewers

کدهای دقیق‌تر و صحیح‌تری انتخاب شود.

پایایی بیانگر پایداری و تشابه نتایج اندازه‌گیری در دوره‌های مختلف زمانی است. ممیزی تحقیق را می‌توان به منزله روش خوبی برای بهبود پایایی پیشنهاد کرد (Mays & Pope, 2002: 50). به دلیل مطالعه مستمر بیانات مقام معظم رهبری و بهره‌مندی مستمر از نظر خبرگان و متخصصان در حوزه بیانات رهبری در کلیه مراحل و فرایندهای این تحقیق، پایایی مورد انتظار برای یک پژوهش به‌خوبی تضمین و برآورده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در شکل ۲ مشخص است، پس از کدگذاری انتخابی، ۳۴ کد محوری از بیانات مقام معظم رهبری در پنج بعد الگوی نظام‌مند جای گرفت که به‌عنوان الگوی نظام‌مند اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی در جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری جای گرفت. مقوله محوری این تحقیق نیز، اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی است که کلیه کدهای محوری حول این موضوع گردآوری شده‌اند. در ادامه توضیح هر یک از ابعاد الگوی نظام‌مند بر اساس مقوله‌ها و کدهای محوری در ذیل هر دسته بیان خواهد شد.

۴-۱. شرایط علی

شرایط علی، شرایطی است که بر مقوله محوری که در اینجا فرهنگ عمومی است، تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، شرایط علی، شرایطی است که اگر ایجاد نشوند، اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه امکان‌پذیر نیست و به دلیل این شرایط است که ما به دنبال اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه هستیم. شرایط علی که در این پژوهش بر اساس بیانات مقام معظم رهبری مورد شناسایی قرار گرفتند، عبارتند از: ۱. دستورات و تأکیدات اسلامی در زمینه فرهنگ عمومی، ۲. مبنا بودن فرهنگ عمومی برای دیگر عرصه‌ها، ۳. ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، ۴. مسئولیت دولت اسلامی در قبال فرهنگ عمومی، ۵. تمرکز دشمنان بر عرصه فرهنگ و فرهنگ عمومی و ۶. فرهنگ عمومی، پایه اصلی تمدن اسلامی.

به‌طور خلاصه می‌توان بیان کرد که انقلاب اسلامی که بر اساس ارزش‌های اسلامی به وجود آمد، در اصل یک انقلاب فرهنگی است. در این میان، فرهنگ عمومی یکی از مهم‌ترین مسائل در نظام فرهنگی است که از نگاه مقام معظم رهبری، یکی از پایه‌های

اصلی تمدن اسلامی است. به تعبیر مقام معظم رهبری، فرهنگ عمومی به عنوان یک مبنای اساسی برای دیگر عرصه‌هاست. به عنوان مثال، اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را اجرا کنیم یا شعار عزت، حکمت و مصلحت را در سیاست خارجه به کار گیریم، ابتدا باید این شعارها در فرهنگ عمومی جامعه نهادینه شود. از دیگر ضرورت‌های مهم در مورد اصلاح فرهنگ عمومی جامعه، مسئولیت دولت و حکومت اسلامی نسبت به فرهنگ عمومی جامعه است. دولت اسلامی باید برای از بین بردن خصلت‌ها و ارزش‌های نامناسب فرهنگ عمومی و مقابله با دشمنان و کسانی که به دنبال ایجاد رخنه و انحراف در فرهنگ عمومی هستند، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب انجام دهد. درنهایت، باید توجه کرد که فرهنگ به مثابه «روح جامعه» است که به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنا و هویت می‌بخشد و شکل‌دهنده و اثرگذار بر ذهنیت و گرایش‌های افراد و جامعه و تعیین‌کننده رفتار عمومی است.

۲-۴. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای عبارت است از: بستری که وجود دارد تا بتوان اقدامات و راهبردهای مناسب را انجام داد. مهم‌ترین زمینه‌هایی که بر اساس مقوله‌بندی بیانات مقام معظم رهبری درباره فرهنگ عمومی به دست آمد، عبارتند از:

- بستری حقوقی: اگر پذیرفتیم که دولت اسلامی در قبال فرهنگ عمومی جامعه مسئولیت دارد، مهم‌ترین کار دولت اسلامی تلاش برای ایجاد و طراحی بستری حقوقی مناسب به منظور ارتقا و اصلاح فرهنگ عمومی است. دولت اسلامی وظیفه فراهم کردن زمینه کاری و هماهنگی دستگاه‌های دولتی در اجرای آن بخش از وظایف آنها که راجع به گسترش، ارتقا و تعمیق فرهنگ عمومی است.

- بستری اخلاقی و فرهنگی: یکی از مهم‌ترین بستری لازم برای اصلاح فرهنگ عمومی، فراهم کردن بستری اخلاقی و فرهنگی مناسب است. باید در عمل بستری لازم برای انتشار کتاب، مجله، روزنامه، فیلم و... متناسب با ارزش‌های اسلامی و ملی فراهم شود.

- آسیب‌شناسی فرهنگ عمومی کشور: هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود، با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تأثیرات مخربی بر فرایند ترقی آن جامعه دارد. مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ عمومی کشور با عنایت به نظرات رهبر معظم انقلاب، عبارتند

از: نفوذ اندیشه‌های غیردینی، دنیاطلبی، تفرقه و نزاع میان مراکز علمی - دینی کشور، گسترش فرهنگ غرب و غرب‌زدگی، یک‌بعدی نگریستن به اسلام، خروج از ساده‌زیستی و گرایش به اشرافی‌گری و سستی در پیاده کردن احکام و مقررات اسلام.

- فهم متغیرها، حوزه‌ها و عرصه‌های تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی: یکی از مهم‌ترین مقدمات لازم برای سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ عمومی، شناسایی حوزه‌ها و عرصه‌های تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی است. بر همه واضح است که عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، شهرسازی و معماری و... تأثیر واضحی بر فرهنگ عمومی دارند و لازم است که فهم و شناخت لازم از این عرصه‌ها و متغیرهای مؤثر آن بر فرهنگ عمومی حاصل شود. همچنین برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف توسعه و الگوهای مختلف توسعه به‌طور قطع بر فرهنگ عمومی تأثیرگذار هستند و باید در برنامه‌ریزی برای فرهنگ عمومی مدنظر قرار گیرند. برای مثال، تردیدی نیست که شاکله معماری و شهرسازی، می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای فرهنگ عمومی، گسترش ارزش‌های اخلاقی، حفظ سنت‌های اصیل بومی و پرهیز از غرب‌گرایی و غرب‌زدگی داشته باشد.^۱

- مردمی‌سازی فرهنگ عمومی: گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی و همچنین حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات غیردولتی به‌منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت.

- استخراج الگوهای رفتاری و اجتماعی از منابع اسلامی: تلاش برای حاکم کردن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی و نقش و تأثیر بنیادی اعتقاد به اصول و فروع دینان مانند وحی، نبوت، امامت، عدالت، معاد، تبری و تولی در فرهنگ عمومی جامعه.

۱. فرهنگ عمومی در عرصه‌های علوم و فناوری، ارتباطات و سیاست مطرح و نفوذ خود را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی در زمینه فرهنگ و تلویزیون‌های جهانی، مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه‌ها و مطبوعات، تولید وسایل و ابزارهای علمی و تحقیقاتی و به‌کارگیری آنها در بسیاری از زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی، جهت تقویت و گسترش فرهنگ علمی، نشانه‌ای از نقش فرهنگ عمومی در رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی است.

۲. تاریخ کشور در دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی، حاکی از این واقعیت ناگوار است که پیروی از الگوهای معماری کاملاً غربی و بیگانه از سنت‌های خودی، نقش مهمی در استحاله ارزش‌های اسلامی و مسخ میراث فرهنگی ایفا کرده است. برای نمونه، بی‌توجهی به حفظ حریم‌های لازم در فضای داخلی منازل از یک سو، رشد بی‌رویه ساخت بناهای بلند و مشرف بر ساختمان‌های همجوار و آمیختگی کنترل نشده فضاها، به بسیاری از ناهنجاری‌های فرهنگی دامن زده است.

- تدوین و تبیین نظریه فرهنگ عمومی مبتنی بر بنیان‌های معرفتی اسلامی: از جمله اقدامات نظری و علمی لازم برای ارتقای فرهنگ عمومی جامعه، تبیین نظریه فرهنگ عمومی کشور مبتنی بر مبانی اسلامی است. این مهم، جز با همکاری فضیلاي حوزوی و اساتید دانشگاهی امکان‌پذیر نیست. این نظریه باید به گونه‌ای باشد که مورد قبول همگان باشد و برنامه‌ریزی‌ها بر اساس آن صورت گیرد.

۳-۴. راهبردها

بخش دیگر مدل نظام‌مند، شامل راهبردهایی است که باید انجام شود تا اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی که مقوله محوری است، محقق شود. راهبردها ناظر به کنش و اقدامات هستند و جزء تجویزی مدل نظام‌مند برای تحقق فرهنگ عمومی مطلوب در جامعه هستند. راهبردهای شناسایی شده برای اصلاح فرهنگ عمومی از نگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: - انسجام عمل دستگاه‌های فرهنگی: دستگاه‌های فرهنگی متعددی در کشور وجود دارد و قطعاً ضرورت داشته و دارد تا در سازوکار فعالیت‌های فرهنگی این دستگاه‌ها تحولات لازم صورت پذیرد تا پاسخگوی نیازهای انقلاب اسلامی باشند. البته وجود این دستگاه‌ها حتماً مورد نیاز است، ولی نیاز اساسی‌تر این است که هماهنگی و انسجام در مجموع فعالیت‌های فرهنگی آنها ایجاد گردد، و گرنه توفیق مقابله با تهاجم فرهنگی وجود نخواهد داشت.

- سیاست‌گذاری فرهنگی: یکی از راهبردهای ضروری برای تحقق فرهنگ عمومی مطلوب در جامعه، استفاده از دانش سیاست‌گذاری برای سیاست‌گذاری صحیح عرصه فرهنگ عمومی است. سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان مهندسی فرهنگی، تنها هنگامی می‌تواند اهداف مطلوب فرهنگی را در جامعه محقق کند که ابزارهای سیاست‌گذاری را به‌طور فرابخشی و جامع برگزیند.

- نگاهت‌نهادی متصدیان عرصه فرهنگ عمومی: یکی از مهم‌ترین اقدامات در عرصه فرهنگ عمومی کشور، تهیه نگاهت‌نهادی متصدیان و متولیان عرصه فرهنگ عمومی است. طراحی و ترسیم سازواره فرهنگ عمومی، تعیین جایگاه اجزای خرد و کلان آن و تبیین نوع ارتباط و تعامل آنها، هندسه مناسبات فرهنگی اجتماعی امروزین ما را شکل خواهد داد. ضعف اساسی در این حوزه سبب شده در هندسه کلان مناسبات اجتماعی،

تبيين درستی از جایگاه نهادها و سازمان‌های فرهنگی صورت نگيرد و نقش درست آنها در فرایند فرهنگ‌سازی نادیده گرفته شود. این خلأ می‌تواند سبب سردرگمی در مجموعه‌های فرهنگ‌ساز مردمی و دولتی شده و انجام کارهای غیرلازم در حوزه فرهنگ عمومی را تشدید کند. باید نگاهت‌نهادی مناسب تهیه شود تا جایگاه دستگاه‌های تبلیغی، فرهنگی، پژوهشی و آموزشی، از جمله سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، سازمان تبلیغات اسلامی و وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین نهادهای مردمی مثل بسیج، هیئت، مساجد و... مشخص شود.

- طراحی شاخص‌های فرهنگ عمومی متناسب با ارزش‌های دینی و ملی: یکی از مهم‌ترین کارها، طراحی شاخص‌های دینی و بومی برای سنجش و ارزیابی فرهنگ عمومی است. در طراحی شاخص‌ها باید توجه شود که شاخص‌ها کلان و مبهم نباشند و همچنین روش‌های سنجش شاخص‌ها به‌طور مناسب طراحی شود.

- رصد و نظارت فرهنگ عمومی: بعد از طراحی شاخص‌ها و سنجه‌های مناسب، باید سازوکارهای لازم برای رصد و نظارت بر فرهنگ عمومی تهیه شود. باید نهادی مانند شورای انقلاب فرهنگی به‌طور دائم فرهنگ عمومی کشور را رصد کرده و بر اساس برنامه‌ها و سیاست‌های کلان را تنظیم کند.

- اولویت‌بندی مسائل فرهنگ عمومی: در انجام اقدامات و فعالیت‌ها بی‌تردید با محدودیت‌هایی روبرو می‌شویم. بنابراین ضروری است اولویت‌های فرهنگ عمومی شناسایی شده و بر اساس این اولویت‌ها تخصیص بودجه انجام شود. اولویت‌بندی مسائل فرهنگی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مقام معظم رهبری است که چند باری نیز به دولت‌های مختلف تذکر داده‌اند.

- شبکه‌سازی فرهنگی: سازماندهی بازار و ترویج محصولات فرهنگی و هنری و اصلاح شبکه‌های توزیع.

۴-۴. شرایط مداخله‌گر (موانع)

برخی موانع وجود دارد که از آن به‌عنوان شرایط مداخله‌گر نام برده می‌شود. به‌عبارت دیگر، شرایط مداخله‌گر، موانعی هستند که در راه راهبردها برای تحقق فرهنگ عمومی مطلوب وجود دارد. این موانع یا ناظر به درون فرایند است و یا ناظر به محیط بیرونی است.

موانع بیرونی (دشمنان) عبارتند از: شبکه‌های ماهواره‌ای، تهاجم فرهنگی، نفوذ فرهنگی، فیلم‌ها و سریال‌های هالیوودی، سایت‌های اینترنتی و غیره. موانع درونی نیز عبارتند از: - موانع رفتاری: یأس و ناامیدی مردم و مسئولان، فرهنگ سوءظن، بی‌اعتمادی و تعصب و لجاجت، قومیت‌گرایی و تعصب نابجا.

- اشخاص منحرف: تمسخرکنندگان ارزش‌های دینی و ملی، غرب‌زده‌ها، وابستگان فکری و فرهنگی غربی، خودکوچک بین‌ها و افراد فاقد اعتمادبه‌نفس. خودباختگی در برابر الگوها و مدل‌های غربی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد منحرف است که مانعی بسیار بزرگ در تحقق فرهنگ عمومی ملی و اسلامی است.

- رسانه‌های دیداری و شنیداری منحرف: روزنامه‌ها، فیلم‌های غیرارزشی، مجله‌ها، سایت‌های داخلی فاسد و...

- سطحی‌نگری در مسائل فرهنگی: سطحی‌نگری در مسائل فرهنگی یکی از آسیب‌هایی است که مانع از برنامه‌ریزی و اقدام درست در عرصه فرهنگ عمومی می‌شود. - رفتار نادرست مسئولان و نخبگان: رفتار نخبگان و مسئولان تأثیر بسیاری در فرهنگ عمومی جامعه دارد. اشرافی‌گری مسئولان، رفتار نامناسب نخبگان و... از مهم‌ترین موانع بر سر راه تحقق فرهنگ عمومی مطلوب جامعه است.

- ضعف نظام آموزشی و علمی: فرهنگ عمومی مقوله‌ای است که ارتباط وثیقی با فکر و اندیشه دارد. بدین جهت ضعف نظریه‌پردازی در حوزه‌های علمی به‌خصوص حوزه علوم انسانی که ارتباط بیشتری با عرصه فکر و اندیشه دارد، باعث ایستایی و عقب‌گرد در فرهنگ عمومی کشور می‌شود. چنانچه نظام آموزشی یک جامعه به‌روز باشد و از انسجام و برنامه‌ریزی مناسب در حوزه محتوای آموزشی و شکل صحیح برخورددار باشد، می‌تواند این وظیفه مهم را به درستی انجام دهد. هر اندازه این نقش به فراموشی و غفلت سپرده شود یا نظام آموزشی یک جامعه از انسجام و برنامه‌ریزی لازم برای تأمین این هدف برنیاید، به همان میزان منجر به خسارت در فرهنگ عمومی خواهد شد.

۴-۵. پیامدها

در پایان نیز پیامدهایی حاصل خواهد شد که نتیجه کارکرد درست مدل نظام‌مند فرهنگ عمومی کشور است. به عبارت دیگر پیامدها، خروجی‌های حاصل از به‌کارگیری راهبردها

است. پیامدها و نتایج حاصل از اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه عبارتند از:
- پیامدهای فرهنگی: عامل به احکام و مناسک دینی، مانوس با قرآن کریم، برخوردار از سبک زندگی اسلامی-ایرانی، عفت عمومی، امنیت اخلاقی و روانی، نمادها و آیین‌های اسلامی-ایرانی (عاشورا، نوروز و...) و تأکید بر گسترش فرهنگ صداقت، راست‌گویی، درستکاری و تعاون و کار جمعی؛

- پیامدهای اجتماعی: برخوردار از مودت، اخوت، تعاون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و سازگاری اجتماعی، نشاط و سرزندگی، صداقت، اعتماد، اطمینان و انسجام اجتماعی بالا و بهره‌مند از انضباط، قانون‌گرایی و جامعه امن (امنیت)، امر به معروف و نهی از منکر، شایسته‌سالاری، قانون‌گرایی و رعایت حقوق دیگران و فرهنگ حفظ محیط زیست؛

- پیامدهای سیاسی: برخوردار از وحدت و امنیت ملی، عدالت‌محوری، استقلال فرهنگی و آزادی مسئولان، مشارکت و مسئولیت‌پذیری سیاسی مردم، حضور مردم در عرصه‌های سیاسی (انتخابات، راهپیمایی‌ها و...);

- پیامدهای اقتصادی: دارای وجدان کاری، روحیه همکاری و کار جمعی، کارآفرین و رضایتمند مبتنی بر الگوی صحیح مصرف و اتقان در عمل و فرهنگ پیشرفت، اخلاق و فرهنگ کار و کارآفرینی، اتقان در عمل، فرهنگ مصرف صحیح و پرهیز از اسراف، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری و رعایت حلال و حرام، به‌ویژه پرهیز از رباخواری؛

- الگو شدن برای دیگر کشورهای اسلامی: با تحقق فرهنگ عمومی مطلوب در جامعه، کشور جمهوری اسلامی، برای دیگر کشورها الگو می‌شود و الگوهای رفتاری و اجتماعی ما به دیگر کشورهای اسلامی و حتی کشورهای جهان صادر می‌شود.

- رشد و پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف: شرط لازم برای پیشرفت اقتصادی، سیاسی، علمی و... تحقق فرهنگ عمومی مطلوب است. اگر فرهنگ عمومی مطلوب محقق شد، یکی از بسترهای لازم برای رشد در دیگر عرصه‌های کشور نیز فراهم می‌شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با دقت در اندیشه‌های مقام معظم رهبری و تحلیل نظام‌مند و روشمند بیانات و آرای ایشان که در این مقاله ذکر شد، این مهم مشخص می‌شود که اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه یک فرایند است که باید به‌طور جامع و کامل به آن نگاه شود. در این نگاه صرفاً وظیفه ارتقای فرهنگ عمومی کشور، بر عهده شورای فرهنگ عمومی نیست، بلکه

آموزش و پرورش، وزارت ارشاد، وزارت علوم و حتی نهادهای عمومی و سازمان‌های مردم نهاد نیز مسئولیت اساسی در این زمینه دارند.

با تحلیل نظام‌مند مشخص شد که برای اصلاح فرهنگی باید همه‌جانبه و کل‌نگر بود و همه جنبه‌ها را از مطالب بنیادی و نظری مثل تبیین نظریه فرهنگ عمومی و طراحی الگوهای رفتاری از منابع دینی و... تا مباحث اجرایی و راهبردی مثل شبکه‌سازی فرهنگی، توزیع مناسب فرهنگی، اولویت‌گذاری صحیح فرهنگی و... مدنظر قرار داد. اقدامات جزیره‌ای و سپردن امور به دست یک نهاد و غفلت دیگر نهادها، نه تنها باعث اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه نمی‌شود، بلکه گاه اثرات مخربی را در پیش دارد.

در این پژوهش مشخص شد که طراحی حساب‌شده برنامه‌ها، توجه به تمامی زوایای فرهنگ جامعه و فرهنگ عمومی، هماهنگی و همکاری دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی مهم است. حتماً باید از نظرات کارشناسان و اندیشمندان جوان عرصه‌های فرهنگ و هنر (حوزوی و دانشگاهی) استفاده کرد و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه فرهنگ عمومی با توجه به تمام لایه‌های اجتماعی و نگاه به ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد. در ادامه برخی از پیشنهادها برای اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و اجرایی شدن مدل نظام‌مند فرهنگ عمومی ارائه می‌شود:

- تقویت جنبه‌های نظارتی دولت و کاهش تصدی‌گری دولت در عرصه فرهنگ؛
- جدا کردن محتوای فرهنگ از بدنه حاکمیت؛ عدم وابستگی فرهنگ با حکومت (که با هر تغییری در آن فرهنگ دچار چالش و رکود گردد)؛
- تقویت فرهنگ بومی جهت رویارویی و تعامل منصفانه با دیگر فرهنگ‌های جهان؛
- انجام پژوهش‌های مستقل در شناسایی متغیرهای اثرگذار اقتصادی، سیاسی، شهری، اجتماعی و... بر فرهنگ عمومی؛
- توجه به فرهنگ عمومی در برنامه‌های توسعه و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛
- تلاش برای تقویت حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی در راستای پیشبرد و پیشرفت فرهنگ عمومی کشور؛
- کنترل ابتدال فرهنگی و تهیه خطوط قرمز برای فرهنگ با توجه به مقتضیات؛
- تدوین قوانین منسجم و آینده‌دار، چنانکه برای چندین سال دارای اعتبار باشد، که

الگوی نظام‌مند اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی در کشور بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری ۵۱

- خود نیازمند چشم‌اندازی روشن است؛
- تضمین آزادی‌های مشروع هنرآفرینان و مبدعان فرهنگی تا امکان خلاقیت و نوآوری فراهم باشد؛
- تقویت ساختار حاکمیتی فرهنگ و ساماندهی مناسب امور اجرایی؛
- فراهم‌آوری زمینه‌های مناسب برای مشارکت هر چه بیشتر مردم در زندگی فرهنگی خود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. استوری، جان (۱۳۸۵). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران: نشر آگه.
۲. اودرخانی، مهدیه، مهدی پورقاسم میانجی و زهرا بهبهانی (۱۳۹۲). «نقش فرهنگ تعامل و همزیستی در ارتقای فرهنگ عمومی شهروندان (مطالعه موردی: منطقه ۳ تهران)»، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران: انجمن محیط زیست کومش، دانشگاه صنعت هوایی.
۳. پین، مایکل (۱۳۸۹). فرهنگ اندیشه انتقادی: از روشنگری تا پسامدرنیته، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: نشر مرکز.
۴. جمشیدی‌ها، غلامرضا و مجید فولادیان (۱۳۹۰). «بررسی تحولات فرهنگ عمومی در ایران بر اساس تحلیل نام‌گذاری»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۴: ۶۴-۳۹.
۵. خالدی، سمانه (۱۳۸۸). فرهنگ عمومی، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۶. داریاپور، زهرا (۱۳۸۶). پژوهشنامه فرهنگ عمومی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۷. دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی (۱۳۸۶). «استراتژی پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، فصلنامه اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم: ۹۷-۶۹.
۸. ذوعلم، علی (۱۳۷۹). «مقدمه‌ای در باب تعریف فرهنگ عمومی»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۵: ۵۳-۴۲.
۹. شالچیان، طاهره (۱۳۷۳). «مسائل فرهنگ عمومی»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۵: ۸۲-۶۸.
۱۰. شورای فرهنگ عمومی (۱۳۹۰). طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور، تهران: مؤسسه انتشارات کتاب نشر.
۱۱. شیروانی، علیرضا و زهرا بهبهانی (۱۳۹۲). «نقش مؤسسات فرهنگی هنری در ارتقای فرهنگ عمومی شهروندان»، چهارمین همایش ملی نقش و جایگاه مؤسسات فرهنگی هنری در توسعه فرهنگی کشور، اصفهان: انجمن مؤسسات فرهنگی و هنری استان اصفهان.
۱۲. عابدی اردکانی، محمد (۱۳۸۶). «امام خمینی (ره) و اصلاح فرهنگ عمومی»، فصلنامه حضور، شماره ۳۶.
۱۳. عضدانلو، حمید (۱۳۸۶). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
۱۴. فردرو، محسن (۱۳۸۰). جامعه و فرهنگ، تهران: انتشارات آرون.
۱۵. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). «چشم‌انداز فرهنگ عمومی و نظام دانشگاهی در ایران و جهان»، نشریه برگ فرهنگ، شماره ۲۱.
۱۶. گوهری‌پور، مرتضی (۱۳۸۸). «معنا و مفهوم فرهنگ عمومی در پرتو مفهوم جهان‌های ممکن»، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره هفتم: ۱۷۱-۱۳۷.
۱۷. گیدنز آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
۱۸. لطیفی، میثم و میثم ظهوریان ابوترابی (۱۳۹۴). «تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ

الگوی نظام‌مند اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی در کشور بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری ۵۳

- عمومی در دانشگاه‌ها»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۲۹: ۴۷-۷۰.
۱۹. مقتدایی، عباس و کبری راعی (۱۳۹۲). «شورای فرهنگ عمومی و تأثیر مصوبه‌های آن بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال چهاردهم، شماره ۵۵: ۹۳-۵۷.
۲۰. موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۷۶). «فرهنگ عمومی، شیوه‌های بهگشت»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۳: ۶۲-۳۳.

ب) منابع لاتین

1. Bennett, T., Craik, J., Cunningham, S. (1989). "Australian Film, Television & Radio School & Culture: Theory and PolicyPublic Culture", North Ryde, N. S. W: Australian Film, Television & Radio School.
2. Bloomfield, J. & Bianchini, F. (2004). Planning For the Intercultural City, Stroud: Comedia.
3. Bourdieu, P., Passeron, J. C. & Eliard, M. (1964). Les Etudiants et Leurs Etudes, Paris: Mouton.
4. Chang W. (2011). "Rethinking Resource Identification and Utilization: The Reconstruction of Indigenous Ethnoecological Knowledge in Fata'an Wetland, Taiwan, Management of Environmental Quality", An International Journal, Vol. 22 Iss: 2: 187 – 199.
5. Charmaz, C. (1990). Discovering Chronic Illness: Using Grounded Theory, Social Science and Medicine, 30.
6. Clark, B. (1973). "The Organizational Saga in Higher Education", Administrative Science Quarterly, 17: 178-184.
7. Copic, V. (2012). "Management of Culture As A Tool of Public Policies: Unfinished transition In Culture As A Managerial Problem", Zbornik Radova Fakulteta Dramskih Umetnosti, 21: 95-106.
8. Creswell, J. W. (2005). Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition), Boston: Pearson Publication.
9. Creswell, J. W. (2012). Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research, 4th Edition, Boston: Pearson Publication.
10. Dornfeld, B. (1998). Producing Public Television, Producing Public Culture, Princeton, N. J: Princeton University Press.
11. Fernández, Walter D. (2004). "Using the Glaserian Approach in Grounded Studies of Emerging Business Practices", Electronic Journal of Business Research Methods, 2 (2).
12. Glaser, Barney G. (1992). Emergence vs. Forcing: Basics of Grounded Theory

- Analysis, Sociology Press.
13. Glaser, Barney G. & Strauss, Anselm L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine Pub. Co.
 14. Golafshani, Nahid (2003). "Understanding Reliability and Validity In Qualitative Research", *The Qualitative Report*, vol. 8, No. 4.
 15. Hatch, M. J. (1993). "The Dynamics of Organizational Culture", *Academy of Management Review*, 18 (4): 657-693.
 16. Inglehart, R. & Cambridge University Press (2010). *Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence*, Cambridge: Cambridge University Press.
 17. Johnson, B. & Christensen, L. (2008). *Educational Research: Quantitative, Qualitative and Mixed Approaches*. 3rd Edition, Los Angeles: Sage Publication.
 18. Lee, J. (2001). *A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERPAdoption and Use*, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska, In Proquest UMI Database.
 19. Mays, N. and Pope, G. (2002). *Assessing Quality In Qualitative Research*; *British Medical Journal*, Jan. I.: 50-52.
 20. Miles, M. and Huberman, A. (2002). *Qualitative Data Analysis: A Sourcebook of New Methods*, Sage London; Beverly Hills.
 21. Miller, T. & Yudice, G. (2002). *Cultural Policy*, London: Sage Publications.
 22. Rao, V. & Walton, M. (2004). *Culture and Public Action*. Stanford, Calif: Stanford University Press.
 23. Shaffer, M. S. (2008). *Public Culture: Diversity, Democracy and Community in the United States*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
 24. Shou-yong, H. U. (2009). "Culture Planning In Ethnology and Anthropology.", *Journal of Ningbo University of Technology*, 1: 13-31.
 25. Society for Transnational Cultural Studies, Public Works Publication Project, & University of Chicago (1988). *Public culture*, Durham, NC: Duke University Press.
 26. Stenbacka, Caroline (2001). "Qualitative Research Require Concepts of Its Own", *Management Decision*, vol. 39, No. 7.
 27. Strauss, Anselm L. (1987). *Qualitative Analysis for Social Scientists*, Cambridge, England: Cambridge University Press.
 28. Strauss, Anselm L. & Corbin, Juliet (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd Ed., Sage.
 29. UNESCO (2009). *Investing in Cultural Diversity and Intercultural Dialogue*, Paris: UNESCO Publishing.
 30. University of Pennsylvania (1988). *Society for Transnational Cultural Studies & Public Works Publication Project*, public culture, Philadelphia, PA: Project.